ادامه از صفحه اول

فرصتی برای کاهش آلام

از موضوعاتی که پیش‌بینی می‌کرد ممکن است به آنها بپردازم، مطرح کرد. یادم هست در آن فرصت کوتاه به او گفتم هنوز گره انتخابات ۸۸ با دست باز می‌شود و اگر دست‌تان می‌رسد پیگیری کنید، شاید شما بتوانید این موضوع را به مقامات بلندپایه منتقل کنید، صدای ما که به آنها نمی‌رسد. انتخابات سال ۸۸ را می‌توان پرمناقشه‌ترین انتخابات پس از انقلاب اسلامی در ایران برشمرد. تا قبل از آن سابقه نداشت که اعتراض به نتیجه انتخابات در حدی باشد که به سطح خیابان‌ها کشیده شود و معترضان نتیجه انتخابات خواهان ابطال آن شده باشند. بعد از این اعتراضات و حتی درست یک روز بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ بسیاری از فعالان ستاد مهندس موسوی و کروبی روانه زندان شدند و بعد از گذشت ۱۰ سال کاندیداهای معترض به نتیجه انتخابات همچنان در حصر خانگی به‌سر می‌برند. خسارت‌های بی‌شماری به کشور وارد شده و زخم‌های به‌جامانده از این انتخابات هنوز التیام نیافته است. هنوز با کلیدواژه فتنه بسیاری از شهروندان از حقوق اجتماعی خود محروم می‌شوند و هنوز خانواده‌های کشته‌شدگان کهریزک پیگیر مجازات عاملان فجایع کهریزک و ریخته شدن خون فرزندان خود هستند. این در حالی است که کسی که خود را پیروز انتخابات و مخالفان و معترضان را خس و خاشاک می‌دانست، با وجود خسارت‌هایی که با سوءمدیریت خود به کشور وارد کرد و همچنان نیز عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است، خود را در قامت یک اپوزیسیون می‌بیند. طرح این مقدمه از آن روی اهمیت دارد که بپذیریم نه تنها از مسائل و تردیدها و ابهام‌های ۸۸ کاسته نشده است، بلکه به بهانه‌های مختلف این اعتراض خود را در اشکال جدید نشان می‌دهد و تا زمانی که شاهد مثالی به نام حصر وجود دارد، به معنی آن است که این زخم نه تنها درمان نشده، بلکه مزمن نیز می‌شود. محمدرضا خاتمی اگر در پاسخ به پرسش خبرنگاری همچنان بر موضوع تقلب اصرار دارد، هدفی جز درمان این زخم و درد مزمن ندارد که طبیب بهتر از هر کسی آگاه است که برای درمان موثر هر دردی باید به عوامل به وجود آورنده این درد و نیز همه راه‌های درمان موثر بانگاهی دقیق و واقع‌بینانه پرداخت. این دادگاه فرصتی است برای درمان این درد و شاید کاهش آلام و رنج‌هایی که طی این سال‌ها بر شانه‌های ایران سنگینی می‌کند. دادگاه هنوز ادامه دارد و او با عدد و رقم و شواهد دقیق در حال اثبات حرف خود است. هر چند چنین دادگاهی باید خیلی زودتر و به شکلی علنی برگزار می‌شد، اما هنوز دیر نشده و می‌توان زخم‌های به‌جامانده از انتخابات ۸۸ را درمان و گره آن را با دست باز کرد. شاید در این روزهای سخت با حل این مناقشه باری از روی شانه‌های ایران عزیز نیز برداشته شود.

آیا نجفی تنها مانده بود؟

ساکت به فروافتادن یک انسان نگریست؛ حتی اگر آن انسان در مقام دشمن ما باشد. جبران خلیل جبران خیلی خوب این نکته را در «پیامبر و دیوانه» آورده است؛

«آنگاه که یکی از شما از پا می‌افتد افتادنش زنهاری است از برای آنها که از پشت سر می‌آیند تا پایشان به سنگ نگیرد. و نیز زنهاری است از برای آنها که از پیش رفته‌اند و با آن که تیزروتر و استوارتر بوده‌اند سنگ را از سر راه برنداشته‌اند.»

قصه بسیاری از جنایت‌ها بن‌مایه و بستری مشابه داشته و دارند. از علل و انگیزه‌ها که بگذریم می‌بینیم که «تنهایی» چقدر در رقم خوردن آن رویداد تلخ نقش داشته است. بالاخره وقتی دوستی، همراهی، رفیقی، همکاری، قومی یا خویشاوندی در نزدیکی ما باشد که بتوانیم با او مشورت کنیم همان طور که توصیه بسیار هم شده است و همان طور که دو فکر بهتر از یک فکر عمل می‌کنند راهکار بهتری می‌توانیم برای یک مشکل بیابیم. چه بسیار اخاذی‌ها که در سایه سکوت و پنهانکاری و ترس از برملاشدن راه به مشورت نبرده و همین شده که «اخاذ» به مقصود خود رسیده است اما درست همان جا که فرد از مرز ترس می‌گذرد و درباره موضوع مشورت می‌گیرد و از نیروهای متخصص کمک می‌خواهد اوضاع دگرگون می‌شود. پرسش مهمی که این ۴ روز برجسته‌تر از هر پرسشی پیش روی‌مان قرار گرفته است این است؛ آیا «محمدعلی نجفی» هم تنها مانده بود؟ شاید براساس ظواهر و نشانه‌های نخست این پرونده بگویید او خود را در معرض خدشه به آبرویش می‌دید و برای همین هم سعی کرده خودش به تنهایی مشکلش را حل کرده یا در نهایت دست به این اقدام زده است. فرض کنیم همین وضعیت بر قصه‌ای که امروز «محمدعلی نجفی» را متهم به جنایت کرده حاکم باشد. آیا او فردی عادی و غریبه در جامعه ما بوده است؟ همه ما در همان حالت بهت و شوک پست‌ها و مسوولیت‌های او را بارها مرور کرده‌ایم. او در دولت رجایی و میرحسین موسوی وزیر بوده است یعنی از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و در بحبوحه جنگ تحمیلی. در دولت مرحوم هاشمی رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی نیز وزیر بوده است. ساده‌ترین تصور این است که به سبب کار در سطح وزارت او دوستانی در وزارت اطلاعات و سایر نهادهای موثر پیدا کرده باشد. اگر این فرض را هم از نظر دور کنیم چنین شخصی که علاوه بر وزارت در شورای شهر تهران و شهرداری تهران کار کرده و سال‌ها عضو حزب کارگزاران سازندگی بوده است هیچ دوست سیاستمداری نداشته است؟ آیا باید بپذیریم که سیاستمداران دوست و رفیق نیستند؟ پرسش دقیقا اینجاست که دوستان آقای نجفی در فاصله‌ای که او مجبور به استعفا از شهرداری تهران شد و بعد شاهد مطرح شدن ماجرای همسر دوم او بودند یک روز او را به یک چای تلخ دعوت کردند تا از او بپرسند حالش چطور است؟ هیچ کس از او نپرسید آیا کاری از دست من برنمی‌آید؟ «قتل» مذموم است و حتی در مواردی که انسان در دفاع از خود و ناموس یا عرض خود دست به جنایت می‌برد احوال خوشی برای آدمی باقی نمی‌ماند. بحث این نوشته قضاوت قتل نیست. بحث، بحث رفاقت است. آیا تک تک ما هم مثل دوستان آقای نجفی یا خود او هستیم؟ آیا ما هم ممکن است آرام و ساکت بنشینیم و فروافتادن دوستان‌مان را یا حتی دشمنان‌مان را نظاره کنیم؟ از هشتم خرداد تا به الان فقط به یک نکته می‌اندیشم. هشتم خرداد ۹۸ نقطه عطف بزرگی در زندگی اجتماعی ما و زنگ خطری بزرگ بوده است. بنشینیم و بررسی کنیم ببینیم چقدر رفیق هستیم و نگذاریم رفقای‌مان زمین بخورند و ما تماشاگرشان باشیم.

گزارش

در فاصله ۱۴ روز تا پایان مهلت FATF، عضو مجمع از تعیین تکلیف CFT و پالرمو در تیرماه خبر داد

مجمع تشخیص؛ FATF، دردسرهای آیین‌نامه و معضل شفافیت

مجید انصاری: اصلاحات آیین‌نامه هیات نظارت تا زمان تایید رهبری قطعی نیست

مصباحی‌مقدم: وقتی دستور کار آماده نباشد، جابه‌جایی دستور کارها در مجمع طبیعی است

سید میلاد علوی

ظهر سوم اسفند ماه سال گذشته بود که گروه ویژه اقدام مالی بار دیگر اقدامات تقابلی خود علیه جمهوری اسلامی را تا ژوئن ۲۰۱۹ (اواسط خردادماه ۹۸) تعلیق کرد تا تهران ۴ ماه برای تصویب ۲ لایحه الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم و مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی فرصت داشته باشد، فرصتی که به سرعت برق و باد گذشت تا امروز در فاصله ۱۴ روز مانده به پایان مهلت FATF، بتوان ادعا کرد که CFT و پالرمو به اجلاس اورلاندو گروه ویژه اقدام مالی نخواهند رسید.

لوایح الحاق به کنوانسیون‌های مقابله با تامین مالی تروریسم و مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی بعد از بیش از ۲ سال بررسی در پارلمان و رفت‌وآمد بین مجلس و شورای نگهبان، دی‌ماه سال گذشته به منظور تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد تا شاید این لوایح، حالا با حضور صادق آملی لاریجانی در راس این مجمع و به واسطه حضور چند ساله او در نشست‌های مشترک سران قوای مجریه، مقننه و قضاییه، مسیری متفاوت در پیش گرفته و مگر به این واسطه، از بازگشت ایران به «لیست سیاه» یا به بیان دقیق‌تر، «فهرستِ کشورهای پرخطر برای تجارت» از نظر FATF جلوگیری شود؛ لیستی که کره‌شمالی اولین و آخرین عضو آن است.

باورود لوایح پالرمو و CFT به «جمع مصلحت‌اندیشان»، بررسی‌ها برای تشخیص مصلحت کار این لوایح آغاز شد. درهای مجمع باز و بسته شدند و جلسات عادی و فوق‌العاده یکی پس از دیگری برگزار شد تا جایی که لعیا جنیدی، معاون حقوقی رییس جمهوری و حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که به نمایندگی از قوای مجریه و مقننه در جلسات مجمع حضور می‌یافتند، در اظهاراتی جداگانه خبر از «رای‌گیری پالرمو در جلسه آینده» مجمع دادند. شوری که با گذشت حدود ۶ ماه از ورود این لوایح به صحن مجمع هنوز صورت نگرفته تا سرنوشت ۴۲ توصیه گروه ویژه اقدام مالی همچنان در هاله‌ای از ابهام باشد.

بهانه پشت بهانه

مخالفت هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام با این لوایح که در آن زمان انتقادات بسیاری را از جانب نمایندگان مجلس برانگیخت و در نهایت موجب رد پالرمو در شورای نگهبان با وجود رفع ایرادات فقها و حقوقدانان این شورا شد از یک سو و افزایش دایره اقدامات خصمانه واشنگتن علیه تهران از دیگر سو بر روند بررسی لوایح در ارتباط با FATF در شورای نگهبان تاثیر گذاشت؛ تا جایی که محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با تایید این مهم در چهارم اردیبهشت‌ماه، صراحتا اعلام کرد که «تروریستی خوانده شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی وزارت امور خارجه ایالات متحده بر روند تصویب CFT و پالرمو در مجمع تاثیرگذار است.»

رضایی که همواره جزو سرسخت‌ترین منتقدان الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی مذکور محسوب شده و سابقه حمایت ضمنی از جملاتی چون «تحویل سرداران ایرانی با تصویب FATF» که بارها و بارها توسط مخالفان این لوایح مطرح و توسط مسوولان دولتی و دیپلمات‌ها تکذیب شده بود را در کارنامه دارد، در اظهارنظری دیگر، تصویب لوایح CFT و پالرمو در ایران که ۲ قوه (مجریه و مقننه) از قوای سه‌گانه حامی تصویبش بودند را «توطئه امریکا و اسراییل» خواند و تاکید کرد که دلیل کندی روند بررسی این لوایح، «اطلاع مجمع تشخیص مصلحت نظام از تشدید اقدامات خصمانه امریکا» بوده است.

باوجود این دست مخالفت‌های پرتکرار اما روند بررسی آن لوایح در مجمع تشخیص مصلحت نظام هرگز متوقف نشد و با همان جدیت قبل تا پیش از آغاز سال ۹۸ ادامه یافت؛ تا جایی که حامیان تصویب این لوایح به منظور جلوگیری از رد پالرمو و CFT در مجمع تشخیص مصلحت نظام، خواستار تعویق در رای‌گیری درباره این لوایح شدند تا مگر در جلسات بعدی توانایی تغییر نگاه مخالفان در مجمع را داشته باشند؛ نگاهی که با تغییر شرایط بین‌المللی و تشدید تقابل تهران-واشنگتن، بیش از پیش FATF را عاملی در تعارض با منافع ملی توصیف کرد.

حرف مخالفان

ایام به کام مخالفان بود و در تقابل با موافقان. رویکرد خصمانه واشنگتن در قبال تهران و تشدید تحریم‌های اقتصادی مثال یار دوازدهم مخالفان عمل کرد ولی در نهایت در آخرین جلسه مجمع تشخیص در سال ۹۷ مقرر شد که با توجه به شباهت‌های بسیار پالرمو و CFT به یکدیگر، این لوایح به صورت همزمان در سال ۹۸، «در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام» قرار بگیرد و مجمع در «اولین جلسه خود در سال جدید» به بررسی این لوایح بپردازد و پیش از پایان مهلت ایران در گروه ویژه اقدام مالی، نقطه پایانی باشد بر سال‌های بلاتکلیفی FATF در تهران!

حرف مخالفان ساده بود، البته در ظاهر؛ «پالرمو و CFT برخلاف منافع ملی است.» جمله‌ای به ظاهر ساده که روزها و روزها تلاش موافقان برای تغییر این دیدگاه نیز کفایت نکرد؛ تا جایی که صدای علی لاریجانی به عنوان رییس مجلس نیز درآمد و از نوع نگاه به لوایح در ارتباط با گروه ویژه اقدام مالی انتقاد کرد. او در جریان گفت‌وگوی نوروزی خود با روزنامه «اعتماد» با انتقاد از روند ۱۱ ساله بررسی FATF در جمهوری اسلامی گفت: «می‌خواهم بگویم ببینید که این مسیر چگونه در کشور ما طی ۱۱ سال طی شده و این مساله البته که یک اشکال است... علت این است که بسیاری از منافع ملی، دچار کشمکش‌های سیاسی می‌شوند. یعنی این یک معضلی است و افراد گاهی شرطی عمل می‌کنند. اگر واقعا خلاف استقلال کشور و منافع ملی بود، چرا در سال ۸۶ تصویب کردید؟! چرا سال ۹۰، دبیرخانه به این موضوع ورود کرد و نظر داد؟! می‌خواهم بگویم بحث FATF چه تفاوتی با قبل دارد؟ مشکل این است موضوعی که محتوایش درباره منافع ملی کشور است، دستمایه مسائل جناحی می‌شود.»

با تمام این تفاسیر سال ۹۷ به پایان رسید و همگان چشم‌انتظار تشکیل جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۹۸ و بررسی همزمان CFT و پالرمو بودند ولی از آن زمان تاکنون و باوجود تشکیل ۴ جلسه در مجمع تشخیص، این مجمع هنوز وارد فرآیند بررسی لوایح مذکور حتی در کمیسیون‌های تخصصی هم نشده تا شایعاتی مبنی بر توقف بررسی این لوایح در مجمع تشخیص مطرح شود. حواشی‌ای که با اظهارات محمدصدر، عضو دیپلمات این مجمع تقویت شد و تکذیب‌های اعضای مجمع تشخیص هم آب بر آتش نشد که نشد.

با وجود این تایید و تکذیب‌ها، یک سوال اما همچنان به قوت خود باقی است و آن، اینکه چرا دستور کار مجمع تشخیص برخلاف اعلام‌های رسمی در سال ۹۸ تغییر کرد. غلامرضا مصباحی‌مقدم در این زمینه به «اعتماد» می‌گوید: «وقتی که موضوع اصلی قرار گرفته در دستور، آماده بررسی نیست طبیعتا دستورات دارای اولویت بررسی خواهد شد.» این عضو اصولگرای مجمع تشخیص سپس برای مستدل کردن اظهارات خود گفته که قرار است «لوایح پالرمو و CFT در کمیسیون‌ها به صورت همزمان بررسی شوند.» هر چند او در ادامه پاسخی برای این سوال که چرا با وجود گذشت ۳ ماه از آغاز سال ۹۸، هنوز کمیسیون‌های مجمع تشکیل نشده‌اند، نداشت و صرفا به ذکر کلمه «خداحافظ» و قطع تماس تلفنی اکتفا کرد تا این سوال نیز به جمع سوال‌های بی‌پاسخ بپیوندد.

سدی به نام هیات نظارت

عملکرد هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام چه در زمان بررسی CFT و پالرمو در مجلس و چه در شورای نگهبان و چه به هنگام ارسال لوایح به مجمع تشخیص، همواره مورد انتقاد نمایندگان مجلس بود، به نحوی که علی مطهری که آن زمان از نایب‌رییسی کنار نرفته بود و ردای نیابت لاریجانی را بر شانه داشت، بارها و بارها رویه هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام را به «بدعت‌گذاری» و در راستای «محدودسازی اختیارات مجلس» عنوان کرد و خواستار ایستادگی موضوع در مجلس شد؛ اتفاقی که کم‌وبیش عملیاتی و به انتقادات تلویحی لاریجانی منتهی شد ولی عملا هیچ تاثیری در روند اقدامات هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام نگذاشت و کار به آنجا رسید که این هیات اخیرا نیز با اعلام‌نظر درباره طرح استانی شدن انتخابات مجلس، دوباره جنجال‌ساز شد.

با انتشار شایعه توقف بررسی FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام و تکذیب آن اما این سوال ایجاد شد که چه طرح یا لایحه‌ای در دستور کار مجمع قرار گرفته که فوریتی بیش از آخرین ضرب‌الاجل FATF دارد! پاسخ اعضای مجمع در این باره چندان ساده نیست؛ کما اینکه آیت‌الله مجتهد شبستری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در اظهاراتی گفته بود که مجمع «اصلاح آیین‌نامه خود را در دستور کار دارد.» پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص نیز در تشریح آخرین نشست مجمع، نوشته که «جماعت مصلحت‌اندیشان ادامه بررسی موضوع مصوبات مصلحتی و زمان‌دار را در دستور کار خود قرار داده‌اند» ولی غلامرضا مصباحی‌مقدم، عضو اصولگرای مجمع تشخیص مصلحت نظام به «اعتماد» گفته است که مجمع مشغول بررسی «اصلاح آیین‌نامه هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام است.»

آنچه در این بین و بیش از فرصت رو به اتمام ایران برای تصویب لوایح پالرمو و CFT جلب توجه می‌کند، تناقض اظهارات اعضای مجمع است. مصباحی‌مقدم که به لطف اظهارات بی‌شمار خود این روزها حکم سخنگوی غیررسمی مجمع تشخیص را پیدا کرده، از بررسی «آیین‌نامه هیات نظارت» می‌گوید و مجتهد شبستری از بررسی مصوبات زمان‌دار. برای بررسی این تناقض کلامی اعضای مجمع موضوع را از روابط عمومی این نهاد که با اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ و با وجود مخالفت‌های چهره‌های برجسته وقت نظام تشکیل شد، پیگیری کردیم ولی پاسخ همان بود که انتظارش را داشتیم: «ما خبری از بررسی‌های مجمع نداریم، فقط همان مطلبی که باید منتشر شود را به ما می‌دهد.»

تصویب شورای نگهبان دوم؟

این تناقض از آن جهت بیشتر خودنمایی می‌کند که تنها مانع مقابل هیات‌عالی نظارت برای رسیدن به آنچه نمایندگان مجلس تشکیل دومین شورای نگهبان خوانده‌اند، آیین‌نامه خود مجمع است. لاریجانی پیش از این به «اعتماد» گفته بود: «اگر ایرادی هم وجود دارد از منظر آیین‌نامه‌ای است؛ به این معنا که هیات نظارتی که قبلا وجود داشت یک آیین‌نامه داشت و امروز این رویکردی که هیات نظارت فعلی در پیش گرفته است، باید متناسب با آیین‌نامه فعلی شود.» بنابراین به نظر می‌رسد اگر مجمع آیین‌نامه هیات‌عالی نظارت خود را براساس اقدامات جدید آن تنظیم کند، عملا دیگر هیچ مانعی برای «محدودسازی مصوبات مجلس» پیش روی آنان وجود نخواهد داشت.

اینکه خروج موقتی CFT و پالرمو از دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدامی برای قانونی‌سازی اقدامات هیات عالی نظارت است یا براساس آنچه اعضای مجمع می‌گویند، صرفا اقدامی براساس روند اداری، سوالی است بی‌جواب ولی مجید انصاری، عضو اصلاح‌طلب مجمع تشخیص مصلحت نظام در همین زمینه به «اعتماد» می‌گوید: «اصلاحاتی که مجمع تشخیص مصلحت نظام در آیین‌نامه هیات‌عالی نظارت خود انجام می‌دهد، قطعی نیست و صرفا پیشنهادی است از جانب اعضای مجمع.» او همچنین تاکید می‌کند که آیین‌نامه هیات‌عالی نظارت مجمع «زمانی رسمی و نهایی خواهد شد که رهبر معظم انقلاب اصلاحات صورت گرفته را تایید کنند.»

با این حال اما همچنان سوال اینجاست که اصلاحات صورت گرفته در آیین‌نامه هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام چه مواردی و آیا این اصلاحات باز هم در راستای محدودسازی اختیارات مجمع است یا خیر، این سوال و صدها سوال دیگر پیرامون مجمع همچنان بی‌پاسخ خواهد ماند؛ مگر آنکه اعضای مجمع به‌ویژه رییس جدید و دبیر قدیمی آن قصد شفاف‌سازی آن را داشته باشند.

معضل شفافیت

«مسوولان جز در موارد نظامی، امنیتی و اموری که با دشمن مقابله داریم، باید شفاف باشند و هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند». رهبر معظم انقلاب اسلامی بیست وسوم مهرماه سال گذشته در ابتدای جلسه خارج فقه خویش جمله فوق را به زبان آوردند تا به‌زعم برخی کارشناسان اگر در خط‌مشی مسوولان و دستگاه‌های اجرایی و تقنینی قرار گیرد، می‌تواند «اعتماد افکار عمومی به مجموعه جمهوری اسلامی» را افزایش داده و از «حاشیه‌سازی برخی جریان‌های معاند جلوگیری به عمل آورد». با این تفاسیر انتظار اعلام برنامه‌کاری مجمع تشخیص مصلحت نظام نه تنها موضوعی بیراه محسوب نمی‌شود، بلکه احتمالا می‌تواند پل‌های ارتباطی بین این نهاد با عموم جامعه را بهبود بخشد.

این روزها توپ منتقدان پارلمان پر است و به هر بهانه علیه نمایندگان ملت می‌تازند. بر فرض که به این مجلس، هزار و یک انتقاد وارد باشد اما به نظر می‌رسد این نهاد حداقل در زمینه شفافیت و در قیاس با مجمع تشخیص که این روزها به لطف تغییر مصوبات مجلس به‌زعم حقوقدانان به قانونگذاری می‌پردازد و به لطف اقدامات هیات‌عالی نظارت مجمع و به‌زعم نمایندگان مجلس به «شورای نگهبان دوم» تبدیل شده، فرسنگ‌ها جلوتر ایستاده است؛ چراکه برنامه کاری نمایندگان چه در کمیسیون‌های تخصصی و چه در صحن علنی یا غیرعلنی از روزها قبل، به اطلاع عموم جامعه می‌رسد. حال آنکه روال کار مجمع تشخیص چنین نیست.

اینکه موارد مورد بررسی در مجمع تشخیص جزو «اسرار نظامی یا امنیتی» است، موضوعی است که باید رییس و دبیر مجمع به آن پاسخ دهند ولی به نظر نمی‌رسد عدم انتشار مشروح اظهارات اعضای مجمع درباره طرح‌هایی نظیر اصلاح آیین‌نامه هیات عالی نظارت حداقل در این راستا قابل بررسی نباشد؛ کما اینکه شورای نگهبان نیز در مدت اخیر در قیاس با گذشته بیشتر دستور کار جلسات خود را به صورت عمومی اعلام کرده و در کنار این مهم با آغاز فعالیت خود در شبکه‌های اجتماعی توییتر و اینستاگرام اگرچه شاید ظاهرا بیشتر در معرض انتقادات عموم جامعه قرار گرفته اما به همان میزان سعی در پاسخگویی بیشتر نیز دارد. این مطالبه جهت شفافیت بیشتر در سازوکار مجمع وقتی جدی‌تر خواهد بود که به این مهم دقت داشته باشیم که این مجمع، درست یا غلط عملا وارد حیطه قانونگذاری شده و در این شرایط، لااقل باید به نحوی عمل کند که شهروندان نیز در جریان تصمیماتی که مجمع برای‌شان می‌گیرد، قرار داشته باشند.

حال تهران تنها ۱۴ روز تا پایان ضرب‌الاجل گروه ویژه اقدام مالی (برگزاری نشست FATF در اورلاندو) فرصت دارد و همچنان بلاتکلیفی سرنوشت لایحه مقابله با تامین مالی تروریسم و مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی است. بلاتکلیفی‌ای که گویا آن را پایان نیست تا جایی که حسین مظفر، عضو اصولگرای مجمع تشخیص یک‌بار خبر از «بررسی CFT و پالرمو در اواخر خرداد» می‌دهد و بار دیگر آن را به «تیرماه» موکول می‌کند، با این حال شاید افزودن علامت سوالی به سوال‌های بی‌پاسخ حول و حوش مجمع ناگزیر باشد؛ پرسشی با این مضمون که چرا مجمع تشخیص باوجود زمان‌دار بودن لوایح چهارگانه مربوط به FATF، این موارد را در زمره مصوبات زمان‌دار قرار نداده و به اصطلاح با قید فوریت به بررسی آن نپرداخته است؛ پرسشی انتقادی که مجید انصاری، عضو اصلاح‌طلب مجمع نیز بر آن صحه گذاشته، هرچند او نیز پاسخی برایش ندارد.

اهم سخنان یک عضو اصولگرای مجمع درباره CFT و پالرمو

حسین مظفر، عضو اصولگرای مجمع تشخیص مصلحت نظام که از جمله مخالفان اقدامات دیپلماتیک دولت دوازدهم و لوایح مربوط به FATF محسوب می‌شود، بار دیگر از تریبون صدا و سیما که این روزها به‌واسطه نحوه پوشش قتل میترا استاد، همسر شهردار سابق تهران دوباره زیر بار انتقاداتی جدی قرار گرفته، فرصت بیان مواضع خود علیه CFT و پالرمو را یافت و مشخصا به‌جای دیگر اعضا نیز اعلام موضع کرد؛ چنان که در بخشی از سخنانش از مخالفت اکثریت مجمع با این دو لایحه سخن گفت؛ حال آنکه چنانچه در گزارش بالا خواندم، نه تنها مجمع در آخرین روزهای ضرب‌الاجل گروه ویژه اقدام مالی برای ایران وارد فرآیند بررسی این لوایح نشده بلکه وعده آنان برای بررسی CFT و پالرمو به‌صورت همزمان در کمیسیون‌های تخصصی نیز محقق نشده است؛ بنابراین مشخص نیست اظهارات این عضو اصولگرای مجمع مستند به کدام رای‌گیری یا نظرسنجی در مجمع تشخیص است. اهم اظهارات مظفر در برنامه «دستخط» که روزگاری وزیر آموزش و پرورش دولت اول سیدمحمد خاتمی بود و روزگاری در مجالس اصولگرای هفتم و نهم حاضر شد و حتی نماینده محمود احمدی‌نژاد در هیات نظارت بر صدا و سیما هم شد، به شرح زیر است:

- لوایح FATF از دستور کار مجمع خارج نشده و روال عادی خودش را طی می‌کند. یکی از اعضای مجمع این موضوع را مطرح کرده بود ولی بعدا گفت که در نقل قول اشتباهی صورت گرفته است.
- شفافیت مدنظر آنها (FATF) مانع فرار ما از تحریم‌هاست. اگر ساز و کار انتقال پول، صادرات و واردات خود را مشخص کنیم، آخرین گلوگاه اقتصادی کشور بسته می‌شود.
- دولتی‌ها خیلی به مجمع آمدند و بحث کردند ولی هیچ کدام نتوانستند استدلال قوی بیاورند که نکات مثبت الحاق به این کنوانسیون‌ها چیست.
- ما هرگز در لیست سفید FATF قرار نخواهیم گرفت چون امریکا، اسراییل و عربستان علیه ما هستند و رای منفی خواهند داد. از سوی دیگر در لیست سیاه هم قرار نخواهیم گرفت چون کشورهای دیگری موافق ما هستند، آنها به ما رای منفی نخواهند داد بنابراین ما در همین وضعیت باقی می‌مانیم.
- عده‌ای از وزرا و معاون اول رییس جمهور به حضرت آقا نامه داده و توصیه کرده بودند که مجمع رعایت کند و مثلا نگاه مثبت داشته باشد. حضرت آقا فرمودند این نقطه نظراتی را که آقایان مطرح کرده‌اند، مجمع در دستور کار قرار دهد و روی آنها تامل، تعمق و بحث کند؛ اتفاقا به خاطر همین مساله اعلام نظر مجمع درباره CFT و پالرمو طول کشید.
- در قضیه CFT و پالرمو برای اینکه ناهماهنگی ایجاد نشود، قرار شد که من (حسین مظفر)، غلامرضا مصباحی‌مقدم (اصولگرا و مخالف FATF)، محمد حسین صفارهرندی (اصولگرا و مخالف FATF) و مجید انصاری (اصلاح‌طلب و موافق FATF) اظهارنظر کنند.
- اینستکس یک ساز و کار بسیار مبتذل، مسخره و توهین‌آمیز بود. آن شروطی که بعدا اتحادیه اروپا گذاشت که حقوق بشرتان را فلان کنید از کشورهای فلان خارج شوید، دنبال تروریسم نباشید، هسته‌ای و موشکی‌تان را ببندید، همه وجدان‌ها بیدار شد و بعد از آن اکثریت اعضای مجمع مخالف FATF شدند.

تاریخچه ترورهای موساد

برخیز و اول بکش (۲۱۰)

فصل نوزدهم

انتفاضه-صندلی آوازه‌خوان برای ابوعباس

نویسنده: رونن برگمن / ترجمه: منصور بیطرف

با این حال، خیلی سریع، یک موضوع دیگری که خیلی غیرمنتظره بود، بروز پیدا کرد. مدیر موساد از طریق «صندلی آوازه‌خوان» -نام صندلی‌ای که میکروفن به آن وصل بود- متوجه شد که حکومت اسراییل مذاکرات پیشرفته‌ای را با ساف، بدون آنکه موساد در جریان باشد، در جریان دارد. رابین به واحد ۸۲۰۰ آمان دستور داده بود که هر چیزی را که درباره مذاکرات شنود می‌کنند مستقیما به خود او بدهند اما این دستور را به موساد نداده بود. شاویت خشمگینانه با رابین برخورد کرد و نسبت به اینکه موساد را به بازی راه نداده، گلایه کرد. رابین، شاویت را با گفتن اینکه این یک «ابتکار حاشیه‌ای» توسط پرز بوده که برای خود او (رابین) موضوع قابل توجهی نبوده است، ساکت کرد. سپس فرستنده‌ها به همان ناگهانی که آنها شروع کرده بودند، متوقف شدند و از کار ایستادند. سه هفته و نیم بعد از آنکه میکروفن‌های پنهان نصب شده بودند، آنتن‌های بزرگ در مرکز موساد از گرفتن سیگنال‌ها باز ایستاد. اسراییلی‌ها در وهله اول فکر کردند که شاید این یک مشکل فنی باشد اما یک بررسی نشان داد که تمام لینک‌ها میان موساد و دفتر عباس به خوبی کار می‌کنند و به هر حال بعید به نظر می‌آمد که در یک زمان ناکارآمدی برای هر دو طرف روی داده باشد. این یقینا به این معنا بود که هر دو میکروفن‌ها کشف شده‌اند و اینکه عملیات پشم زرین لو رفته و عدنان یاسین گنجینه باارزش آنها هم در خطر مرگ قرار گرفته است. یک منبع در بخش ضدتروریسم موساد گفت: «مانتوانستیم بفهمیم که این چطور ممکن شد که در یک زمان کوتاه بعد از آنکه ما تجهیزات را در جای خود گذاشتیم همراه با عاملی که آن را انجام داده بود، کشف شد.» این کار جبریل راجوب بود که با کمک آژانس اطلاعاتی محلی، رد تجهیزات را گرفت. راجوب گفت: «افراد ما در اسلو حس کردند که اسراییلی‌ها، از طریق خود فلسطینی‌ها آنها را می‌بینند و اینکه آنها دقیقا می‌دانند حرف بعدی‌شان و موضع‌گیری‌ای که می‌گیرند، چیست. این شک شنود ما را برانگیخت و به همین خاطر ما دفتر ابومازن را اسکن کردیم.»

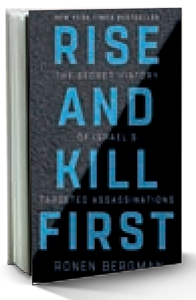

با این حال اکثر عوامل موساد که درگیر عملیات پشم زرین بودند، توضیحات خیلی متفاوتی را دادند: از بین خودمان به ما خیانت شد. بر اساس این فرضیه که ثابت‌شدنی نیست اما برخی شواهد جدی آن را تایید می‌کنند، یکی از مذاکره‌کنندگان اسراییلی در اسلو گزارش‌های اطلاعاتی را دید که طی عملیات جمع‌آوری شده بود و آن را به نخست‌وزیر و سران نهادهای اطلاعاتی داده بودند. او متوجه شد که منبع اطلاعات ابزار شنود در دفتر ابومازن است یا اینکه یکی از خطوط ارتباطی‌اش را می‌زند. او فلسطینی‌ها را با این اذعان که آنها سریعا ابزار را جمع و آنها را نابود می‌کنند، متوجه کرد، زمانی که این اتفاق رخ داد، اطلاعات اسراییل دیگر هیچ راهی نداشت که بفهمد در گفت‌وگوها چه می‌گذرد و این هم به معنای آن بود که هیچ یک از تندروها نمی‌توانستند جزییات مذاکره را به رسانه‌ها نشت بدهند و مذاکرات را خراب کنند. به بیان دیگر، یک دیپلمات اسراییلی به این خاطر خیانت کرد تا مانع از خرابکاری نهاد اطلاعات اسراییل در دیپلماسی اسراییل بشود. حقیقت این بود که در کنار این کار باید یک گنجینه باارزش کشته می‌شد.

توضیح: استفاده از واژه تروریست‌های فلسطینی برای حفظ امانت در ترجمه است نه اعتقاد مترجم و روزنامه

خبر آخر

ایرادهای شورای نگهبان به لایحه تابعیت مادرانه

بعد از آنکه نمایندگان مجلس شورای اسلامی «لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» موسوم به تابعیت مادرانه را که در پاییز سال ۹۷ از سوی دولت و در راستای «رفع تبعیض در قانون تابعیت و انتقال تابعیت مادر ایرانی به فرزند» به قوه مقننه ارایه شده بود را پس از تغییراتی در کمیسیون قضایی، در صحن علنی تصویب کردند، لایحه برای تایید نهایی و تبدیل به قانون راهی شورای نگهبان شد. اعضای شورای نگهبان فرآیند بررسی را روی آن آغاز کردند ولی هفته گذشته اعضای این شورا درخواست استمهال (تمدید ۱۰ روزه مهلت) برای بررسی لایحه تابعیت مردانه و اعلام نظر نهایی خود کردند. درنهایت روز گذشته عباسعلی کدخدایی، قائم‌مقام دبیر و سخنگوی شورای نگهبان طی اظهاراتی خبر از ایرادات این شورا به برخی از مفاد «لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» داد. براساس آنچه خبرگزاری فارس منتشر کرده، سخنگوی شورای نگهبان درباره مفاد ایرادات این شورا به لایحه تابعیت مادرانه، بیان کرد: «شورای نگهبان دو اشکال جزیی لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی داشت ولی اعضا با اصل آن موافق بودند.» او همچنین تصریح کرد: «اعضای شورای نگهبان با بررسی لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان، نسبت به سوابق کیفری و مواردی از این قبیل که ممکن است مشکلاتی را به وجود بیاورد تاملاتی داشتند.» قائم‌مقام احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان همچنین گفت که این لایحه برای رفع ایرادات به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است. نکته قابل توجه اینجاست که خبرگزاری‌های اصولگرای فارس و تسنیم، هنگام انتشار اظهارات کدخدایی، خبر از «موافقت» یا «موافقت مشروط» شورای نگهبان با لایحه مذکور داده‌اند حال آنکه موضوعی تحت عنوان موافقت مشروط در حیطه وظایف قانونی این شورا وجود ندارد و با توجه به ارسال مجدد این لایحه به قوه مقننه برای رفع ایرادات، باید گفت که لایحه تابعیت مادرانه تا زمان رفع ایرادات از سوی شورای نگهبان رد شده است.